به نام خالق زیبایی

بررسی نقش تمدن اسلامی در شکل‌گیری و توسعه حسابداری

۱.مریم غلامی شکرو(دانشجو کارشناسی پیوسته حسابداری دانشگاه الزهرا شیراز)

۲ .ابوذر شفیعی(دکترا -استاد مدعو دانشگاه الزهرا شیراز-۰۹۱۹۹۱۷۰۳۷۹-shafeie@yahoo.com)

چکیده

حسابداری به عنوان «زبان تجارت» همواره پویایی خود را مدیون تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری بوده است. در بسیاری از مطالعات تاریخی، خاستگاه حسابداری مدرن به اروپای قرون وسطی و به ویژه کتاب «لوکا پاچیولی» در سال ۱۴۹۴ میلادی نسبت داده می‌شود؛ اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی قرن‌ها پیش از آن، نظام‌های منسجم ثبت، کنترل و گزارشگری مالی را توسعه داده بود. این مقاله مروری و تحلیلی، با هدف بررسی نقش تمدن اسلامی در شکل‌گیری و توسعه حسابداری انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الزامات دینی نظیر وجوب زکات در صدر اسلام، محرک اصلی ایجاد «دیوان» و نظام‌های ثبت و گزارشگری مالی بوده است. همچنین، ظهور «سیاق» به عنوان یک نظام دفترداری پیشرفته در جهان اسلام، و تأثیرپذیری احتمالی حسابداری اروپایی از شیوه‌های مسلمانان در قرون وسطی، از جمله یافته‌های کلیدی این تحقیق است. در دوران معاصر نیز، تدوین استانداردهای حسابداری اسلامی (AAOIFI) و رشد مالی اسلامی نشان‌دهنده تداوم نقش ارزش‌های تمدن اسلامی در ساختاردهی به نظام‌های مالی نوین است. نتایج این تحقیق بر ضرورت بازخوانی میراث حسابداری تمدن اسلامی برای توسعه الگوهای بومی و کارآمد تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که پژوهشگران ایرانی با تکیه بر این پیشینه غنی، در جهت تدوین چارچوب‌های حسابداری متناسب با شرایط بومی گام بردارند.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، تاریخ حسابداری، زکات، سیاق، دیوان، حسابداری اسلامی، استانداردهای AAOIFI، مالکیت فکری.

مقدمه

حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، همواره بازتابی از نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده است. در بسیاری از مطالعات تاریخی، خاستگاه حسابداری مدرن به اروپای قرون وسطی و به ویژه کتاب «لوکا پاچیولی» در سال ۱۴۹۴ میلادی نسبت داده می‌شود. این دیدگاه که اغلب با رویکردی اروپامحور همراه است، نقش سایر تمدن‌ها به ویژه تمدن اسلامی را در شکل‌گیری مفاهیم و رویه‌های حسابداری نادیده می‌گیرد. با این حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی قرن‌ها پیش از آن، نظام‌های منسجم ثبت و کنترل مالی را توسعه داده بود که نه تنها پاسخگوی نیازهای حکومتی و تجاری بود، بلکه ریشه در آموزه‌های دینی داشت (Zaid, 2004).

در تمدن اسلامی، حسابداری صرفاً یک ابزار فنی برای محاسبه سود و زیان نبود، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و پاسخگویی در پیشگاه خداوند و مردم محسوب می‌شد. نزول آیه ۲۸۲ سوره بقره، که مسلمانان را به کتابت و ثبت دقیق معاملات غیرنقدی (دین) فرمان می‌دهد، نقطه عطفی در شکل‌گیری فرهنگ ثبت و ضبط در جامعه اسلامی است. این دستور صریح دینی، زمینه‌ساز ایجاد نهادهای نظارتی و دفترداری پیشرفته‌ای شد که بعدها در دوران عباسیان به اوج شکوفایی رسید (Napier, 2007).

پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی تاریخی، مسیر تحول حسابداری را از الزامات دینی صدر اسلام تا نظام‌های پیچیده دیوانی و تأثیرات بین‌المللی آن را تحلیل کند و نشان دهد که چگونه ارزش‌های تمدن اسلامی در ساختاردهی به نظام‌های مالی معاصر نیز نقش‌آفرین بوده است. اهمیت این پژوهش از آن روست که امروزه با رشد روزافزون مالی اسلامی در سطح جهانی، نیاز به بازخوانی میراث حسابداری تمدن اسلامی و بهره‌گیری از آن در تدوین چارچوب‌های بومی و کارآمد بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله سعی دارد با ارائه تحلیلی جامع، پلی میان گذشته تاریخی و نیازهای معاصر ایجاد کند.

مفهوم و اهمیت حسابداری در تمدن اسلامی

حسابداری در تمدن اسلامی فرآیندی است که طی آن منابع مالی، تعهدات، درآمدها و مخارج به شکلی منظم ثبت و گزارش می‌شوند تا ضمن پاسخگویی به نیازهای مدیریتی، اهداف شرعی و عدالت‌محور نیز محقق شود. این تعریف نه تنها شامل جنبه‌های فنی حسابداری می‌شود، بلکه ارزش‌های اخلاقی و دینی را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، حسابداری در جهان اسلام به عنوان یک «امانت» تلقی می‌شد و حسابرسان و دیوان‌سالاران مسئولیت سنگینی در قبال دقت و صحت ثبت‌ها داشتند (Alamad, 2019).

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم در قرون اولیه اسلامی، نیاز به جمع‌آوری و توزیع زکات، خراج، جزیه و غنائم، دولت را ناچار به ایجاد نهادهای مالی منسجم کرد. این نهادها به تدریج تکامل یافتند و به نظام‌های پیچیده‌ای تبدیل شدند که پیشینه‌ای برای توسعه حسابداری در سایر نقاط جهان فراهم کردند. به عبارت دیگر، حسابداری در تمدن اسلامی نه تنها یک ضرورت اداری، بلکه یک وظیفه دینی و اجتماعی بود که آثار آن در ساختارهای مالی امروزی نیز قابل مشاهده است (Zaid, 2000).

از منظر مفهومی، حسابداری اسلامی سه ویژگی متمایز دارد که آن را از حسابداری متعارف جدا می‌کند: نخست، پیوند با شریعت؛ به این معنا که هر رویه حسابداری باید با احکام اسلامی سازگار باشد. دوم، تأکید بر عدالت؛ به این معنا که

گزارشگری مالی باید تصویری منصفانه از وضعیت مالی ارائه دهد و از هرگونه سوگیری پرهیز کند. سوم، مسئولیت اجتماعی؛ به این معنا که نهادهای مالی نه تنها در قبال سهامداران، بلکه در قبال جامعه و نیازمندان نیز مسئول هستند. این سه ویژگی، میراث ماندگار تمدن اسلامی در حسابداری است که امروزه نیز در استانداردهای حسابداری اسلامی بازتاب یافته است.

نقش الزامات دینی در پیدایش نظام‌های حسابداری

برخلاف تصور رایج که حسابداری را محصول نیازهای تجاری صرف می‌داند، شواهد تاریخی در جهان اسلام نشان می‌دهد که الزامات مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه داشته‌اند. مهم‌ترین این الزامات، وجوب پرداخت زکات بود که در سال دوم هجری (۶۲۳ میلادی) بر مسلمانان واجب شد. برای جمع‌آوری، نگهداری و توزیع صحیح زکات، خلیفه مسلمانان نیازمند یک سازمان اداری منسجم بود. این نیاز منجر به تأسیس «دیوان» شد؛ نهادی که وظیفه ثبت درآمدها و مخارج بیت‌المال را بر عهده داشت (Zaid, 2004).

با گسترش قلمرو اسلامی و افزایش تنوع منابع درآمدی (همچون جزیه، خراج، غنائم و عشور)، پیچیدگی‌های محاسباتی افزایش یافت. در دوران خلافت عباسی (۱۳۲ تا ۲۳۲ هجری)، نظام دیوانی به اوج خود رسید و تخصص‌های مختلفی در آن شکل گرفت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حسابرسی و کنترل مالی بود. دیوان‌های تخصصی نظیر «دیوان زمام» و «دیوان استیفا» وظیفه نظارت بر دفاتر و کنترل هزینه‌ها را بر عهده داشتند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در تمدن اسلامی، حسابداری و حسابرسی نه به عنوان یک حرفه سکولار، بلکه به عنوان یک وظیفه شرعی و امانت‌داری در قبال بیت‌المال و حقوق نیازمندان تلقی می‌شد (Napier, 2007).

نکته مهم دیگر آن است که در تمدن اسلامی، مفهوم «حسابرسی» (Auditing) نیز از همان ابتدا با حسابداری همراه بود. دیوان‌سالاران مسلمان برای جلوگیری از خطا و تقلب، سازوکارهای کنترلی متعددی ابداع کردند؛ از جمله ثبت دفاتر به صورت متعدد، استفاده از شاهد و امضا، و بازبینی دوره‌ای حساب‌ها توسط مأموران مستقل. این سازوکارها را می‌توان پیشینه‌ای برای نظام‌های کنترل داخلی و حسابرسی مدرن دانست. به بیان دیگر، تمدن اسلامی نه تنها به فکر ثبت و ضبط بود، بلکه به فکر صحت و اعتبار آن نیز بود و این امر نشان‌دهنده بلوغ فکری و نهادی این تمدن در حوزه مالی است.

ساختار دیوان و نهادهای مالی در تمدن اسلامی

دیوان به عنوان نهاد اصلی مدیریت مالی در تمدن اسلامی ساختاری پیچیده و تخصصی داشت.در دوران عباسی دیوان های مختلفی شکل گرفتند که هر یک وظیفه خاصی را بر عهده داشتند. «دیوان خراج» مسئول جمع‌آوری مالیات ارضی بود، «دیوان جزیه» به مالیات اهل ذمه اختصاص داشت، «دیوان زمام» بر دفاتر و حساب‌ها نظارت می‌کرد، و «دیوان استیفا» وظیفه کنترل هزینه‌ها و درآمدها را بر عهده داشت. این تقسیم کار تخصصی، نشان‌دهنده درجه بالایی از توسعه نهادی در تمدن اسلامی است (Zaid, 2004).

هر دیوان دارای دفاتر متعددی بود که به شکل منظم نگهداری می‌شدند. از جمله این دفاتر می‌توان به «دفتر جامع» (ثبت کل درآمدها و هزینه‌ها)، «دفتر اقطاعات» (ثبت زمین‌های واگذارشده)، و «دفتر نفقات» (ثبت هزینه‌های جاری) اشاره کرد. این

دفاتر با دقت و نظم خاصی نگهداری می‌شدند و مأموران دیوان موظف بودند گزارش‌های دوره‌ای به خلیفه یا وزیر ارائه دهند. این رویه، پیشینه‌ای برای نظام گزارشگری مالی مدرن محسوب می‌شود.

علاوه بر دیوان، نهادهای دیگری نیز در تمدن اسلامی به امور مالی می‌پرداختند. «بیت‌المال» به عنوان خزانه عمومی مسلمانان، محل نگهداری درآمدها و انجام مخارج بود. «حسبه» به عنوان نهاد نظارت بر بازار، وظیفه کنترل قیمت‌ها، وزن‌ها و کیفیت کالاها را بر عهده داشت و در این راستا، نیازمند ثبت و کنترل معاملات بود. این نهادها در مجموع، شبکه‌ای منسجم از ساختارهای مالی را در تمدن اسلامی شکل می‌دادند که پاسخگوی نیازهای حکومتی، تجاری و اجتماعی بود.

نظام «سیاق» و پیشرفت فنون دفترداری در جهان اسلام در کنار نظام دیوانی، تجار و بازرگانان مسلمان نیز به توسعه شیوه‌های خاصی برای ثبت معاملات خود پرداختند. مهم‌ترین دستاورد در این زمینه، نظام «سیاق» است. سیاق یک روش پیشرفته دفترداری بود که در قرون میانه اسلامی (به ویژه از قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی به بعد) در سرزمین‌های اسلامی رواج یافت. ویژگی بارز سیاق، استفاده از علائم و اصطلاحات خاص برای ثبت اعداد و اقلام مالی بود که به طور خاص برای اهداف حسابداری و دیوانی طراحی شده بود (Takamatsu, 2023).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که این نظام منحصر به ایران نبوده و از هند تا آناتولی و بالکان گسترش یافته است. به عنوان مثال، در دوران صفویه و عثمانی، رساله‌های متعددی در باب آموزش سیاق نگاشته شد که نشان از پویایی و تحول مستمر این فن در جهان اسلام دارد. این در حالی است که سیستم حسابداری اروپایی تا پیش از قرن ۱۵ میلادی فاقد چنین انسجام و گستردگی نظری بود. برخی محققان معتقدند که سیاق نه تنها یک ابزار فنی، بلکه یک نظام نشانه‌شناختی کامل بود که امکان ثبت، کنترل و بازبینی معاملات را در سطحی وسیع فراهم می‌کرد (Zaid, 2000).

سیاق دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بود که آن را از سایر روش‌های ثبت متمایز می‌کرد. نخست، استفاده از علائم اختصاری برای اقلام و اعداد، که ثبت را سریع‌تر و فشرده‌تر می‌کرد. دوم، ساختار دفتری منظم؛ به این معنا که دفاتر سیاق دارای ستون‌ها و بخش‌های مشخصی بودند که هر یک به نوعی از اطلاعات اختصاص داشت. سوم، قابلیت کنترل و بازبینی؛ به این معنا که با استفاده از علائم و ساختار مشخص، امکان بررسی صحت ثبت‌ها و کشف خطاها فراهم بود. چهارم، انعطاف‌پذیری؛ به این معنا که سیاق می‌توانست با شرایط مختلف تجاری و دیوانی انطباق یابد. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که سیاق یک نظام حسابداری کامل و پیشرفته بود، نه صرفاً یک روش ثبت ساده.

حسابداری در دوره صفویه و عثمانی

دوره صفویه و عثمانی را میتوان یکی از دوره های طلایی حسابداری در جهان اسلام میدانست.در این دوره نظام دیوانی وسیاق به اوج تکامل خود رسیدند و رساله‌های متعددی در باب آموزش حسابداری نگاشته شد. در ایران صفوی، «دیوان اعلی» به عنوان نهاد اصلی مالی، بر تمامی امور حسابداری نظارت داشت و دفاتر متعددی در آن نگهداری می‌شد. «مستوفی‌الممالک» به عنوان عالی‌ترین مقام مالی، مسئول نظارت بر دفاتر و کنترل درآمدها و هزینه‌ها بود (آقایی، ۱۳۸۵).

در دوره عثمانی نیز نظام حسابداری پیشرفته‌ای شکل گرفت. «دفترخانه» به عنوان نهاد اصلی ثبت و کنترل مالی، دفاتر متعددی را نگهداری می‌کرد. نظام «سیاق» در عثمانی به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت و رساله‌های متعددی در باب آن نگاشته شد. یکی از ویژگی‌های مهم حسابداری عثمانی، استفاده از «دفترداری دوطرفه» در برخی از دفاتر بود که

نشان‌دهنده پیشرفت فنی این دوره است. این امر نشان می‌دهد که جهان اسلام در دوره صفویه و عثمانی، نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی، بلکه از نظر فنی نیز در حوزه حسابداری پیشرو بود.

تأثیر حسابداری اسلامی بر تحولات حسابداری در غرب

یکی از بحث‌های مهم در تاریخ حسابداری، میزان تأثیرپذیری اروپا از جهان اسلام است. برخی پژوهشگران با استناد به شباهت‌های موجود میان شیوه‌های ثبت مسلمانان و روش ایتالیایی، احتمال تأثیرگذاری مسلمانان بر توسعه حسابداری در جمهوری‌های ایتالیا را مطرح کرده‌اند. اگرچه برخی محققان در این ادعا تردید کرده و خاستگاه مستقل برای دفترداری دوطرفه ایتالیایی قائل هستند، اما حتی منتقدان نیز پذیرفته‌اند که تأثیرات جهان اسلام بر پیشینه‌ها و برخی ویژگی‌های حسابداری پیش از دفترداری دوطرفه در غرب غیرقابل انکار است (Zaid, 2000).

مسیر احتمالی این انتقال، ارتباطات تجاری گسترده میان بازرگانان مسلمان و همتایان ایتالیایی آن‌ها در بنادر مدیترانه و شرق بود. مسلمانان در زمینه‌های نظیر ثبت بدهی، استفاده از دفاتر کل و روش‌های کنترل داخلی، صاحب تجربه و مهارت بودند و این دانش به همراه کالاها در مسیرهای تجاری منتقل می‌شد. به تعبیری، می‌توان گفت که تمدن اسلامی نه تنها بستر شکل‌گیری حسابداری پیشرفته را فراهم کرد، بلکه در انتقال این دانش به سایر نقاط جهان نیز نقش‌آفرین بود (Napier, 2007).

شواهد متعددی بر این تأثیرگذاری دلالت دارد. نخست، شباهت ساختاری میان دفاتر مسلمانان و دفاتر ایتالیایی در زمینه استفاده از ستون‌های بدهکار و بستانکار. دوم، وجود اصطلاحات مشترک در حسابداری اسلامی و اروپایی که ریشه در زبان عربی دارند. سوم، گزارش‌های تاریخی از حضور بازرگانان مسلمان در بنادر ایتالیا و تعامل آن‌ها با همتایان اروپایی. چهارم، شباهت روش‌های کنترل داخلی در هر دو نظام. این شواهد، هرچند قطعی نیستند، اما احتمال تأثیرگذاری را تقویت می‌کنند.

چالش‌ها و موانع بازخوانی میراث حسابداری تمدن اسلامی

با وجود غنای میراث حسابداری تمدن اسلامی، بازخوانی و بهره‌گیری از آن در دوران معاصر با چالش‌هایی مواجه است. نخست، بسیاری از اسناد و مدارک تاریخی مربوط به شیوه‌های حسابداری در جهان اسلام از بین رفته یا پراکنده‌اند و دسترسی به آن‌ها نیازمند پژوهش‌های آرشیوی گسترده است. دوم، غلبه الگوهای حسابداری غربی در نظام‌های آموزشی و حرفه‌ای، موجب کم‌توجهی به میراث بومی شده است. سوم، نبود چارچوب‌های نظری منسجم برای پیوند میان ارزش‌های تمدن اسلامی و رویه‌های حسابداری مدرن، یکی دیگر از موانع مهم است (Maulina, 2022).

علاوه بر این، برخی منتقدان بر این باورند که تأکید بر میراث تاریخی ممکن است به جایگاه علمی حسابداری آسیب بزند و آن را به سمت رویکردی صرفاً تاریخی سوق دهد. در پاسخ به این نقد باید گفت که بازخوانی میراث به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای مدرن نیست، بلکه به معنای استفاده از تجربیات گذشته برای توسعه الگوهای بومی و کارآمدتر است. تجربه کشورهایی مانند مالزی و اندونزی در تدوین استانداردهای حسابداری اسلامی نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند به ایجاد نظام‌های مالی کارآمد و متناسب با ارزش‌های فرهنگی منجر شود (Alamad, 2019).

چالش دیگر، کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه تاریخ حسابداری اسلامی است. پژوهش در این حوزه نیازمند ترکیبی از دانش حسابداری، تاریخ، زبان‌شناسی و فقه است و تعداد پژوهشگرانی که بر این ترکیب مسلط باشند، محدود است. این کمبود، روند توسعه دانش در این حوزه را کند کرده است. همچنین، ضعف در همکاری بین‌رشته‌ای میان دانشکده‌های حسابداری، تاریخ و الهیات، یکی دیگر از موانع مهم است که نیازمند توجه جدی است.

فرصت‌ها و مزایای بهره‌گیری از میراث حسابداری اسلامی

گرچه بازخوانی میراث حسابداری تمدن اسلامی با چالش‌هایی روبه‌رو است، اما فرصت‌های متعددی نیز در این زمینه وجود دارد. یکی از این فرصت‌ها، رشد روزافزون مالی اسلامی در سطح جهانی است. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، دارایی‌های مالی اسلامی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و این امر نیاز به استانداردهای حسابداری متناسب با شریعت را افزایش داده است. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) در همین راستا تلاش کرده است تا چارچوبی برای گزارشگری مالی اسلامی تدوین کند (Alamad, 2019).

فرصت دیگر، توجه به مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در حسابداری است. مفاهیمی نظیر عدالت، شفافیت، پاسخگویی و امانت‌داری که در تمدن اسلامی بر آن‌ها تأکید شده، امروزه در ادبیات حسابداری مدرن نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. به عبارت دیگر، میراث حسابداری تمدن اسلامی می‌تواند به عنوان یک منبع الهام برای توسعه رویکردهای اخلاقی در حسابداری معاصر مورد استفاده قرار گیرد. این امر به ویژه برای پژوهشگران ایرانی که با چالش‌های بومی و فرهنگی خاصی روبه‌رو هستند، فرصتی ارزشمند محسوب می‌شود (Napier, 2007).

فرصت سوم، رشد فناوری و امکان مستندسازی دیجیتال است. امروزه با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال، امکان اسکن، آرشیو و تحلیل خودکار اسناد تاریخی فراهم شده است. این امر می‌تواند روند پژوهش در تاریخ حسابداری اسلامی را تسریع کند و دسترسی به منابع را آسان‌تر سازد. ایجاد پایگاه‌های داده دیجیتال از اسناد حسابداری تاریخی، می‌تواند بستری برای پژوهش‌های تطبیقی و بین‌المللی فراهم کند.

فرصت چهارم، علاقه روزافزون مجامع بین‌المللی به تاریخ حسابداری است. در سال‌های اخیر، مجامع علمی بین‌المللی توجه بیشتری به تاریخ حسابداری در تمدن‌های غیرغربی نشان داده‌اند. این امر فرصتی برای پژوهشگران ایرانی فراهم می‌کند تا با مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی، میراث حسابداری تمدن اسلامی را به جهانیان معرفی کنند و از تجارب سایر کشورها نیز بهره‌مند شوند.

مدل‌های جهانی و تجارب کشورهای اسلامی در حسابداری اسلامی

بررسی تجارب کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که تلاش‌های متفاوتی برای پیوند میان میراث تمدن اسلامی و رویه‌های حسابداری مدرن انجام شده است. مالزی به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه، استانداردهای حسابداری اسلامی را در نظام مالی خود نهادینه کرده و توانسته است همکاری نزدیکی میان نهادهای نظارتی، دانشگاه‌ها و صنعت مالی اسلامی ایجاد کند.

اندونزی نیز با تأسیس نهادهای تخصصی و تدوین استانداردهای بومی، گام‌های مهمی در این زمینه برداشته است (Maulina, 2022).

در کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات، تلاش‌ها بیشتر بر تدوین استانداردهای AAOIFI و همکاری با نهادهای بین‌المللی متمرکز بوده است. این تجارب نشان می‌دهد که موفقیت در این زمینه نیازمند همکاری سه‌جانبه میان دولت، دانشگاه و صنعت است؛ همان مدلی که در ادبیات نوآوری با عنوان «Triple Helix» شناخته می‌شود (Etzkowitz, 2003).

ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از این تجارب و با توجه به ظرفیت‌های علمی و فرهنگی خود، گام‌های مؤثری در جهت توسعه حسابداری اسلامی بردارد.

مقایسه تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که سه عامل در موفقیت آن‌ها نقش کلیدی داشته است: نخست، حمایت دولتی؛ به این معنا که دولت‌ها با تصویب قوانین و ارائه مشوق‌ها، زمینه‌ساز رشد حسابداری اسلامی شده‌اند. دوم، مشارکت دانشگاه‌ها؛ به این معنا که دانشگاه‌ها با انجام پژوهش‌های کاربردی و تربیت نیروی متخصص، به توسعه این حوزه کمک کرده‌اند. سوم، همکاری صنعت؛ به این معنا که نهادهای مالی با به‌کارگیری استانداردهای اسلامی، زمینه‌ساز آزمون و بهبود آن‌ها شده‌اند. ایران نیز برای موفقیت در این زمینه، نیازمند تقویت هر سه عامل است.

راهکارهای بهبود و توسعه حسابداری مبتنی بر میراث تمدن اسلامی در ایران

برای بهبود و توسعه حسابداری مبتنی بر میراث تمدن اسلامی در ایران، توجه به چندین نکته اساسی ضروری است. اولاً، باید پژوهش‌های تاریخی و آرشیوی در زمینه شیوه‌های حسابداری دوره‌های اسلامی (به ویژه سیاق و دیوان) تقویت شود تا میراث مکتوب و ناشناخته این حوزه شناسایی و مستند گردد. ثانیاً، ارتباطات میان دانشگاه‌ها، نهادهای حرفه‌ای حسابداری و صنعت مالی اسلامی باید بهبود یابد. این ارتباطات می‌تواند از طریق ایجاد مراکز پژوهشی مشترک، برگزاری همایش‌های تخصصی و همکاری‌های بین‌رشته‌ای تقویت شود (Zaid, 2004).

ثالثاً، دولت باید با ارائه مشوق‌های مالی و تسهیل فرآیندهای قانونی، زمینه‌ساز رشد پژوهش‌های کاربردی در حوزه حسابداری اسلامی شود. در نهایت، ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی با کشورهای پیشرو در این زمینه (مانند مالزی و اندونزی) می‌تواند به طور مؤثری به توسعه این حوزه کمک کند. تجربه نشان داده است که کشورهایی که توانسته‌اند میان میراث فرهنگی و نیازهای مدرن پیوند برقرار کنند، در عرصه مالی اسلامی موفق‌تر بوده‌اند (Alamad, 2019).

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بازنگری شوند و مباحث تاریخ حسابداری اسلامی و استانداردهای AAOIFI به آن‌ها افزوده گردد. تربیت نسل جدید حسابداران با آگاهی از میراث تاریخی و ارزش‌های اخلاقی، می‌تواند به توسعه پایدار این حوزه کمک کند. همچنین، ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای مانند «تاریخ حسابداری» و «حسابداری اسلامی» در مقاطع تحصیلات تکمیلی، می‌تواند زمینه‌ساز تربیت پژوهشگران متخصص شود.

تعاملات بین دانشگاه و صنعت در توسعه حسابداری اسلامی

یکی از اساسی‌ترین عواملی که بر موفقیت توسعه حسابداری اسلامی تأثیرگذار است، تعاملات مؤثر بین دانشگاه و صنعت است. در بسیاری از کشورها، این ارتباط به عنوان یک عامل کلیدی در تسهیل فرآیند انتقال دانش و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی شناخته شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ارتباطات قوی و سازنده میان دانشگاه‌ها و صنایع مالی می‌تواند موجب تسهیل انتقال دانش و فناوری به بخش‌های اقتصادی و ایجاد محصولات و خدمات نوآورانه شود (Etzkowitz, 2003).

در ایران، به دلیل کمبود ارتباطات نزدیک و متقابل میان دانشگاه‌ها و صنایع مالی، فرآیند توسعه حسابداری اسلامی با چالش‌هایی نظیر عدم هم‌راستایی نیازهای بازار و توانمندی‌های پژوهشی دانشگاه‌ها مواجه است. این شکاف‌ها در فرآیند انتقال دانش، باعث کاهش کارایی تحقیقات دانشگاهی و همچنین کند شدن فرآیند توسعه رویه‌های حسابداری بومی می‌شود. در این زمینه، ایجاد نهادهایی مانند پارک‌های علم و فناوری، کانون‌های نوآوری و شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند نقش مهمی در تقویت تعاملات میان دانشگاه‌ها و صنایع مالی ایفا کند (Napier, 2007).

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که تعامل دانشگاه و صنعت زمانی مؤثر است که سه شرط محقق شود: نخست، وجود بستر نهادی؛ به این معنا که نهادهای واسط مانند مراکز انتقال فناوری و دفاتر ارتباط با صنعت وجود داشته باشند. دوم، وجود انگیزه مشترک؛ به این معنا که هم دانشگاه و هم صنعت از این تعامل منافع روشنی داشته باشند. سوم، وجود حمایت دولتی؛ به این معنا که دولت با سیاست‌های تشویقی، این تعامل را تسهیل کند. ایران نیز برای تقویت تعامل دانشگاه و صنعت در حوزه حسابداری اسلامی، نیازمند توجه به این سه شرط است.

ابعاد اخلاقی و اجتماعی حسابداری اسلامی

یکی از وجوه مهم میراث حسابداری تمدن اسلامی، توجه به ابعاد اخلاقی و اجتماعی است. در تمدن اسلامی، حسابداری نه تنها ابزاری برای ثبت معاملات، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت و پاسخگویی بود. مفاهیمی نظیر «امانت»، «عدالت»، «شفافیت» و «مسئولیت اجتماعی» در اندیشه اسلامی، جایگاه والایی داشتند و در رویه‌های حسابداری نیز بازتاب می‌یافتند. این مفاهیم امروزه نیز در ادبیات حسابداری مدرن، به ویژه در رویکردهای مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و گزارشگری پایداری، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

حسابداری اسلامی بر این باور است که نهادهای مالی نه تنها در قبال سهامداران، بلکه در قبال جامعه، کارکنان، مشتریان و محیط زیست نیز مسئول هستند. این دیدگاه، با مفاهیم مدرن مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار هم‌راستاست. به عبارت دیگر، میراث حسابداری تمدن اسلامی می‌تواند به عنوان یک منبع الهام برای توسعه رویکردهای اخلاقی در حسابداری معاصر مورد استفاده قرار گیرد. این امر به ویژه برای جامعه ایرانی که با چالش‌های اخلاقی و اجتماعی خاصی روبه‌روست، اهمیت ویژه‌ای دارد.

از منظر اجتماعی، حسابداری اسلامی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی کمک کند. زمانی که مردم ببینند نهادهای مالی بر اساس ارزش‌های اخلاقی و دینی اداره می‌شوند و گزارشگری مالی آن‌ها شفاف و منصفانه است، اعتماد آن‌ها به نظام مالی افزایش می‌یابد. این اعتماد، سرمایه اجتماعی ارزشمندی است که می‌تواند به توسعه اقتصادی و ثبات مالی کمک

کند. بنابراین، توجه به ابعاد اخلاقی و اجتماعی حسابداری اسلامی، نه تنها یک ضرورت دینی، بلکه یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی نیز هست.

چالش‌های معاصر و راهکارهای مواجهه با آن‌ها

حسابداری اسلامی در دوران معاصر با چالش‌های متعددی روبه‌روست که نیازمند توجه جدی است. نخست، چالش نظری؛ به این معنا که هنوز چارچوب نظری منسجم و جامعی برای حسابداری اسلامی تدوین نشده است و بسیاری از مفاهیم آن از حسابداری متعارف گرفته شده است. دوم، چالش عملی؛ به این معنا که در عمل، بسیاری از نهادهای مالی اسلامی از استانداردهای متعارف استفاده می‌کنند و انطباق کامل با شریعت را تضمین نمی‌کنند. سوم، چالش آموزشی؛ به این معنا که نظام‌های آموزشی حسابداری، توجه کافی به میراث اسلامی و استانداردهای AAOIFI ندارند (Maulina, 2022).

برای مواجهه با این چالش‌ها، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود: نخست، تدوین چارچوب نظری بومی با همکاری فقها، حسابداران و اقتصاددانان. دوم، تقویت نظارت شرعی بر نهادهای مالی اسلامی و الزام آن‌ها به رعایت استانداردهای AAOIFI. سوم، بازنگری برنامه‌های آموزشی و گنجاندن مباحث حسابداری اسلامی در دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی. چهارم، ترویج پژوهش‌های کاربردی در زمینه حسابداری اسلامی و انتشار یافته‌ها در مجلات معتبر بین‌المللی. پنجم، ایجاد شبکه همکاری میان نهادهای مالی اسلامی، دانشگاه‌ها و نهادهای نظارتی برای تبادل تجربه و دانش.

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی و تحلیلی حاضر نشان می‌دهد که تمدن اسلامی نقشی بنیادین، چندلایه و مستمر در شکل‌گیری و توسعه حسابداری ایفا کرده است؛ نقشی که نه یک اتفاق تصادفی، بلکه برخاسته از منظومه‌ای از باورها، الزامات دینی، نیازهای حکومتی و پویایی تجاری بود. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در چند محور اصلی جمع‌بندی کرد.

نخست، ریشه دینی و ارزشی حسابداری در تمدن اسلامی. برخلاف روایت رایج که حسابداری را محصول نیازهای صرفاً تجاری و سکولار می‌داند، شواهد نشان می‌دهد که در جهان اسلام، حسابداری از دل الزامات شرعی زاده شد. وجوب زکات، تأکید قرآن بر کتابت دقیق معاملات (آیه ۲۸۲ سوره بقره)، و ضرورت پاسخگویی در قبال بیت‌المال، محرک‌های اصلی شکل‌گیری نهادهای ثبت و گزارشگری مالی بودند. این ویژگی، حسابداری اسلامی را از همان آغاز با مفاهیمی چون امانت‌داری، عدالت، شفافیت و مسئولیت اجتماعی پیوند زد؛ مفاهیمی که امروزه نیز در ادبیات حسابداری مدرن جایگاه والایی دارند. به تعبیری، حسابداری در تمدن اسلامی هرگز صرفاً یک فن فنی نبود، بلکه یک وظیفه اخلاقی و دینی محسوب می‌شد.

دوم، تکامل نهادی و تخصصی شدن حسابداری. با گسترش قلمرو اسلامی و تنوع منابع درآمدی، نیاز به ساختارهای اداری منسجم افزایش یافت و این امر به تأسیس «دیوان» و سپس تکامل دیوان‌های تخصصی نظیر دیوان زمام و دیوان استیفا انجامید. در دوران عباسی، حسابداری و حسابرسی به سطحی از تخصص رسید که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ نهادسازی مالی جهان دانست. این تحول نشان می‌دهد که تمدن اسلامی نه تنها نیاز به حسابداری را تشخیص داد، بلکه در جهت نهادینه‌سازی و تخصصی‌سازی آن نیز گام‌های بلندی برداشت.

سوم، دستاورد فنی نظام «سیاق». توسعه نظام سیاق به عنوان یک روش پیشرفته دفترداری، گواهی بر توان فنی و نظری مسلمانان در حوزه ثبت و کنترل مالی است. گستردگی جغرافیایی این نظام از هند تا آناتولی و بالکان، و تداوم آن در دوره‌های صفویه و عثمانی، نشان‌دهنده پویایی و ظرفیت بالای آن برای انطباق با شرایط مختلف است. سیاق نه تنها یک ابزار ثبت، بلکه یک نظام نشانه‌شناختی کامل بود که امکان کنترل، بازبینی و گزارشگری را در سطحی وسیع فراهم می‌کرد.

چهارم، تأثیرگذاری بین‌تمدن و انتقال دانش. هرچند در مورد میزان دقیق تأثیرگذاری حسابداری اسلامی بر تحولات حسابداری اروپایی اختلاف نظر وجود دارد، اما حتی منتقدان نیز تأثیرپذیری برخی ویژگی‌های حسابداری غربی از شیوه‌های مسلمانان را می‌پذیرند. ارتباطات تجاری در مدیترانه و شرق، مسیر انتقال این دانش بود و تمدن اسلامی را به یکی از کانون‌های مؤثر در تاریخ جهانی حسابداری تبدیل کرد.

پنجم، تداوم میراث در دوران معاصر. برخلاف تصور که میراث حسابداری تمدن اسلامی را صرفاً تاریخی و متعلق به گذشته می‌داند، شواهد نشان می‌دهد که این میراث همچنان زنده است. تدوین استانداردهای حسابداری اسلامی توسط AAOIFI، رشد روزافزون مالی اسلامی، و توجه دوباره به مفاهیمی چون عدالت و مسئولیت اجتماعی در گزارشگری مالی، همه نشان‌دهنده تداوم نقش ارزش‌های تمدن اسلامی در ساختاردهی به نظام‌های مالی نوین است. این امر به ویژه برای کشورهای اسلامی از جمله ایران، فرصتی ارزشمند برای توسعه الگوهای بومی و کارآمد محسوب می‌شود.

ششم، ضرورت بازخوانی و بومی‌سازی. با وجود غلبه استانداردهای حسابداری غربی، نیاز به بازخوانی میراث تمدن اسلامی و بهره‌گیری از آن در تدوین چارچوب‌های حسابداری بومی بیش از پیش احساس می‌شود. تجربه کشورهایی مانند مالزی و اندونزی نشان می‌دهد که پیوند میان میراث فرهنگی-دینی و نیازهای مدرن، امری ممکن و ثمربخش است. برای پژوهشگران ایرانی، این عرصه فرصتی است تا با تکیه بر پیشینه غنی ملی-اسلامی خود، در جهت توسعه حسابداری اسلامی و بومی‌سازی استانداردها گام بردارند.

در مجموع، می‌توان گفت که تمدن اسلامی نه تنها در شکل‌گیری حسابداری نقشی پیشرو داشت، بلکه در توسعه، نهادینه‌سازی و انتقال آن به سایر تمدن‌ها نیز سهمی بسزا ایفا کرد. بازخوانی این میراث، نه یک اقدام صرفاً تاریخی، بلکه ضرورتی راهبردی برای توسعه نظام‌های مالی کارآمد، اخلاقی و متناسب با ارزش‌های فرهنگی جوامع اسلامی است. تحقق این هدف نیازمند تقویت پژوهش‌های تاریخی، بهبود تعاملات دانشگاه و صنعت، و بهره‌گیری هوشمندانه از تجارب جهانی است.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر، همانند هر مطالعه تاریخی-تحلیلی دیگری، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که آگاهی از آن‌ها برای درک دقیق یافته‌ها و تفسیر صحیح نتایج ضروری است.

نخست، کمبود منابع مکتوب و مستندات تاریخی. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، پراکندگی و کمبود اسناد و مدارک تاریخی مربوط به شیوه‌های حسابداری در دوره‌های مختلف تمدن اسلامی است. بسیاری از دفاتر و اسناد مالی دیوانی در طول تاریخ، به ویژه در اثر جنگ‌ها، آتش‌سوزی‌ها و تحولات سیاسی، از بین رفته یا پراکنده شده‌اند. این کمبود، امکان

بازسازی دقیق و جامع رویه‌های حسابداری دوره‌های مختلف را دشوار می‌سازد و پژوهشگر را ناچار به اتکا به منابع ثانویه و تفسیری می‌کند. همچنین، بسیاری از رساله‌های مربوط به سیاق هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند و دسترسی به آن‌ها نیازمند پژوهش‌های آرشیوی گسترده است.

دوم، ماهیت مروری و تحلیلی پژوهش. این مقاله به روش مروری و تحلیلی انجام شده و مبتنی بر بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود است. بنابراین، فاقد داده‌های میدانی یا empirical است و نمی‌تواند ادعای تعمیم‌پذیری کامل داشته باشد. یافته‌های آن بیشتر در حکم چارچوبی مفهومی و راهنمایی برای پژوهش‌های آینده است، نه نتیجه‌ای قطعی و نهایی.

سوم، ابهام در میزان تأثیرگذاری بین‌تمدن. در مورد میزان دقیق تأثیرگذاری حسابداری اسلامی بر تحولات حسابداری اروپایی، اختلاف نظر جدی میان پژوهشگران وجود دارد. برخی محققان بر تأثیرپذیری اروپا از جهان اسلام تأکید می‌کنند و برخی دیگر خاستگاه مستقل برای دفترداری دوطرفه ایتالیایی قائل هستند. این پژوهش نیز نتوانسته است به طور قطعی در این مناقشه داوری کند و صرفاً احتمال تأثیرگذاری را مطرح کرده است. این ابهام، ناشی از کمبود شواهد قطعی و مستندات تطبیقی کافی است.

چهارم، تمرکز جغرافیایی و زمانی محدود. این پژوهش بیشتر بر دوره‌های صدر اسلام، عباسیان، صفویه و عثمانی متمرکز بوده و سایر دوره‌ها و مناطق جهان اسلام (مانند اندلس، مغرب، و هند اسلامی) کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین، تمرکز اصلی بر ایران و مناطق مرکزی جهان اسلام بوده و تجارب سایر کشورهای اسلامی در دوران معاصر کمتر بررسی شده است. این محدودیت، جامعیت جغرافیایی و زمانی پژوهش را تحت تأثیر قرار داده است.

پنجم، کمبود پژوهش‌های تجربی و تطبیقی. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم، کمبود پژوهش‌های تجربی و تطبیقی در زمینه حسابداری اسلامی است. بیشتر مطالعات موجود، تاریخی یا نظری هستند و کمتر به بررسی میدانی رویه‌های حسابداری اسلامی در نهادهای مالی معاصر پرداخته‌اند. این کمبود، امکان ارزیابی دقیق کارایی و اثربخشی الگوهای حسابداری اسلامی را محدود می‌کند.

ششم، محدودیت در دسترسی به منابع بین‌المللی. بخشی از منابع معتبر بین‌المللی در زمینه تاریخ حسابداری اسلامی، به زبان‌های غیرفارسی (مانند انگلیسی، عربی و مالایی) منتشر شده‌اند و دسترسی به آن‌ها در برخی موارد با محدودیت مواجه بوده است. این امر ممکن است بر جامعیت بررسی منابع تأثیر گذاشته باشد.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها و محدودیت‌های فوق، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آینده و سیاست‌گذاری در این حوزه ارائه می‌شود.

۱. تقویت پژوهش‌های تاریخی و آرشیوی. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با همکاری آرشیوهای ملی و کتابخانه‌های تخصصی، به شناسایی، تصحیح و انتشار اسناد و رساله‌های حسابداری دوره‌های اسلامی (به ویژه رساله‌های سیاق) بپردازند. ایجاد پایگاه داده‌ای جامع از اسناد حسابداری تاریخی جهان اسلام می‌تواند بستری برای پژوهش‌های آینده فراهم کند. همچنین، انجام پژوهش‌های تطبیقی میان شیوه‌های حسابداری مناطق مختلف جهان اسلام (اندلس، مغرب، هند، ایران و عثمانی) می‌تواند تصویر کامل‌تری از تحولات ارائه دهد.

۲. انجام پژوهش‌های میدانی و تجربی. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با استفاده از روش‌های میدانی، به بررسی رویه‌های عملی حسابداری اسلامی در نهادهای مالی معاصر (بانک‌های اسلامی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، و شرکت‌های تکافل) بپردازند. مقایسه کارایی الگوهای حسابداری اسلامی با الگوهای متعارف، و ارزیابی میزان انطباق رویه‌های عملی با استانداردهای AAOIFI، از جمله موضوعاتی است که نیازمند پژوهش تجربی است.

۳. توسعه چارچوب نظری بومی. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران ایرانی با تکیه بر میراث تمدن اسلامی و با توجه به شرایط بومی کشور، به تدوین چارچوب نظری منسجم برای حسابداری اسلامی بپردازند. این چارچوب باید هم به ارزش‌های دینی و اخلاقی (عدالت، شفافیت، امانت‌داری) و هم به نیازهای عملی بازار توجه داشته باشد. همکاری بین‌رشته‌ای میان حسابداران، اقتصاددانان، فقها و متخصصان تاریخ علم می‌تواند به غنای این چارچوب کمک کند.

۴. تقویت تعاملات دانشگاه و صنعت. پیشنهاد می‌شود نهادهای آموزشی و پژوهشی، با ایجاد مراکز پژوهشی مشترک با صنعت مالی اسلامی، زمینه‌ساز انتقال دانش و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی شوند. برگزاری همایش‌های تخصصی مشترک، طراحی دوره‌های آموزشی کاربردی، و ایجاد فرصت‌های کارآموزی برای دانشجویان حسابداری در نهادهای مالی اسلامی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به تقویت این تعاملات کمک کند.

۵. بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و پژوهشگران ایرانی با مطالعه دقیق تجارب کشورهای پیشرو در حسابداری اسلامی (مانند مالزی، اندونزی، عربستان و امارات)، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کرده و با توجه به شرایط بومی، الگوهای مناسب را بومی‌سازی کنند. ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی و تبادل دانش با نهادهای تخصصی جهانی (مانند AAOIFI و IFSB) می‌تواند به تسریع این فرآیند کمک کند.

۶. اصلاح سیاست‌ها و مقررات. پیشنهاد می‌شود دولت و نهادهای نظارتی، با ارائه مشوق‌های مالی و تسهیل فرآیندهای قانونی، زمینه‌ساز رشد پژوهش‌های کاربردی در حوزه حسابداری اسلامی شوند. شفاف‌سازی قوانین مربوط به مالکیت فکری و انتقال فناوری، و حمایت از تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه مالی اسلامی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به توسعه این حوزه کمک کند. همچنین، گنجاندن مباحث تاریخ حسابداری اسلامی و استانداردهای AAOIFI در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و دوره‌های حرفه‌ای، می‌تواند نسل جدید حسابداران را با این میراث غنی آشنا کند.

۷. توجه به ابعاد اخلاقی و اجتماعی. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آینده، به ابعاد اخلاقی و اجتماعی حسابداری اسلامی (نظیر مسئولیت اجتماعی، عدالت توزیعی، و پاسخگویی) بیشتر توجه کنند. بررسی اینکه چگونه ارزش‌های تمدن اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی کمک کند، از جمله موضوعات مهمی است که نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

۸. ایجاد پایگاه داده و مستندسازی. پیشنهاد می‌شود نهادهای علمی و پژوهشی، با ایجاد پایگاه داده‌ای جامع از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تاریخ حسابداری اسلامی و استانداردهای مربوطه، زمینه‌ساز دسترسی آسان‌تر پژوهشگران به منابع شوند. این اقدام می‌تواند از دوباره‌کاری پژوهش‌ها جلوگیری کرده و روند توسعه دانش در این حوزه را تسریع کند.

۹. تربیت نیروی انسانی متخصص. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، با ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای مانند «تاریخ حسابداری» و «حسابداری اسلامی» در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به تربیت پژوهشگران متخصص در این حوزه بپردازند.

همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای حسابداران شاغل، می‌تواند به ارتقای دانش آن‌ها در زمینه حسابداری اسلامی کمک کند.

۱۰. ترویج فرهنگ پژوهش و انتشار یافته‌ها. پیشنهاد می‌شود نهادهای علمی و پژوهشی، با برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تخصصی، فرهنگ پژوهش در حوزه تاریخ حسابداری اسلامی را ترویج کنند. همچنین، تشویق پژوهشگران به انتشار یافته‌های خود در مجلات معتبر بین‌المللی، می‌تواند به معرفی میراث حسابداری تمدن اسلامی به جهانیان کمک کند.

در مجموع، توسعه حسابداری مبتنی بر میراث تمدن اسلامی، نیازمند رویکردی چندبعدی و همکاری میان نهادهای علمی، آموزشی، نظارتی و صنعتی است. تحقق این هدف، نه تنها به غنای دانش حسابداری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد نظام‌های مالی کارآمدتر، اخلاقی‌تر و متناسب‌تر با ارزش‌های فرهنگی جوامع اسلامی منجر شود.

منابع

۱. Alamad, S. (2019). The Origins of Accounting in the Islamic Economics and Finance System. In: Financial and Accounting Principles in Islamic Finance. Springer, Cham.

۲. Etzkowitz, H. (2003). Innovation in Innovation: The Triple Helix of University-Industry-Government Relations. Social Science Information, 42(3), 293-337.

۳. Maulina, I. (2022). Sejarah dan Pemikiran Akuntansi Syariah. Jurnal Investasi Islam, 1-13.

۴. Napier, C. (2007). Other Cultures, Other Accountings? Islamic Accounting from Past to Present. 5th Accounting History International Conference, Banff, Canada.

۵. Takamatsu, Y. (2023). A Diachronic and Synchronic Study of Historical Bookkeeping Materials in the Muslim World. KAKEN Research Report.

۶. Zaid, O. A. (2000). Were Islamic Records Precursors to Accounting Books Based on the Italian Method? The Accounting Historians Journal, 27(1), 73-90.

۷. Zaid, O. A. (2004). Accounting Systems and Recording Procedures in the Early Islamic State. The Accounting Historians Journal, 31(2), 149-170.

۸. آقایی، مرضیه. (۱۳۸۵). سیر تکوینی حسابداری در ایران از صدر اسلام الی صفویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.